

آینه

تغییر

یادداشت: «دریغ مردی و سنگی»؛ سیدعلی میرفحات

راست و صریح بگویم که این ۴۰، ۳۰ نامیده مجلس نبودند که فرجی‌دانا را از وزارت انداختند، بلکه این تیم رسانه‌ای و غیررسانه‌ای دولت بود که دست روی دست گذاشت تا نه‌تنها یک‌وزیر دانا و بافضیلت بیفتد بلکه راه استیضاح باز شود و دیگر وزرای کابینه تدبیر و اعتدال در صف سوال و توضیح بایستند. بحث پیرانه به کنار؛ در یک‌نواغ ساده بین وزارت کار و شهرداری، متأسفانه دولت بازنده شد و به لحاظ رسانه‌ای رفت جایی که عرب نی انداخت. وقتی رئیس‌جمهور قرار است به محفل پرود یا وارد مجلسی شود، هشت، ۹ نفر دورش را می‌گیرند و با تیتَر تکراری «همه مردان رئیس‌جمهور» صادی «نخن عصبه» می‌زنند، اما وقتی که رئیس‌جمهور قدری رو ترش می‌کند و یک «به جهنم سواده» از دهانش در می‌رود، از این برادران غیور یک‌نفر هم نیست که پای کار بیایند و از رئیس‌سب دفاع کنند و بگویند: «خیلی هم خوب گفت که بدخواهان و ترسوها و بذل‌ها بروند به جهنم.» مقایسه کنید روزنامه‌ها را فردای همین «به جهنم» کیهان تیتَر زد و چقدر خوب و هوشمندانه و روزنامه‌نگارانه که «رئیس‌جمهور با دعوت به جهنم از گفتمان اعتدال رونمای کرده، همان روز نگاه کنید ببینید «ایران» و «ایرنا» چه تیتَرهایی زدند؟ اصلاً انگار مال یک‌کنشور دیگر بودند و ماموریتی دیگر نداشتند کمترین کاری که رسانه‌های دولت می‌توانستند بکنند این بود که هزینه‌استیضاح را بالا ببرند، اما رفتارشان طوری بود که «نه خانی آمده و نه خانی رفته»!

کیم‌سان

تیتَر یک: «مجلس شاخ فتنه را شکست»

شاید مهم‌ترین دلیل رای قاطع نمایندگان به رفتن فرجی را باید این دانست که حتی حرف‌های روز استیضاح هم نشان از یک‌موضوع تلخ داشت و آن اینکه به همگان ثابت شد که فرجی‌دانا گر نمانده وزارت علوم نبود! بلکه گروهی در آنجا گرداننده‌امور بودند که فرجی با وجود تأکید چندباره نمایندگان در ماه‌های گذشته، نتوانسته بود آنها را برکنار کند و در عمل قول‌های دیگر فرجی هم با بودن آنها به جایی نمی‌رسید! مجلس با رای دیروز خود، بزرگ‌ترین کمک را به دولت روحانی کرد تا از این پس، دولت با اندتن فتنه‌گران و حاشیسمزنان، بتواند با فراغ‌بال به امور اصلی کشور بپردازد و وضع علمی و آموزشی دانشگاه‌ها را به ریل اصلی خود بازگرداند.

سرمقاله

سرمقاله: « مجلس، دولت و سرپرست جدید»؛ مصطفی ابیطی

مجلس با رایی که برای استیضاح آقای فرجی‌دانا داد عملاً پیامی به دولت داد مبنی بر اینکه مجلس شورای اسلامی، به دنبال آن است که با نظارت جدی با آنچه که نمی‌پسندد مقابله کند. البته در فضای جامعه ما اینگونه اتفاقات تکراری‌هایی به همراه دارد، به‌ویژه در پس سال‌های گذشته و اختلافاتی که میان دولت و مجلس وجود داشت، تنها امیدوار هستیم که این اتفاق موجب سردی روابط میان قوم‌مجره و قوم‌فتنه نشود.

یادداشت: «شکست‌های تجدیدنظرطلبان از یک‌استیضاح»؛محمد اسماعیلی

رای به استیضاح از پدروخوانده‌های اصلاحات غنیمتی جنگی برای خود به حساب می‌آورند، آنگونه که با بهر برداری از این اقدام مجلس، آن را تا ماه‌ها به عنوان پتکی علیه مجلس استفاده کرده و از افکار عموم بخوانه‌تا در انتخابات مجلس آینده به نامزدهای نزدیک به اصلاحات روی بیاورند. رای ۴۵ نفری به برکناری وزیر نشان داد که تلاش برای «توسعه تعاضص» و افزایش زموخورده‌های سیاسی – میان دو فرانسکسیون اصولگرای مجلس نتیجه بخش نبوده و اصولگرهای دوفرانسکسیون در حساس‌ترین مواقع اختلاف نظرهای روبنایی را کنار گذاشته و برای حفظ مصالح و منافع نظام و انقلاب در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

ایران

سرمقاله: « تداوم تحولات در وزارت علوم»؛ جمشید رضایی

می‌توان انتظار داشت که جامعه دانشگاهی و دانشجویی، مدیر فرهیخته خوش را با لبخندی از رضایت بدرقه می‌کنند. اگر حاصل ۲۴ ماهه دولتمردی که به دعوت شخص روحانی سکان مدیریت وزارت علوم را در دست گرفت، نشاط و اعتدال است پس می‌توان امیدوار بود که یلاران و همقطران فرجی‌دانا را ناتمام او برای رشد و تعالی علمی ایران زمین را با همین امد و تدبیر طی خواهند کرد. ریاست مجلس... در فضای پرهیجان بهارستان توانست الگویی قابل قبول از مدیریت نشست استیضاح را به نمایش بگذارد.

اطلاعات

یادداشت: « نقدی بر یادداشت استیضاح فرجی‌دانا و قاعده دموکراسی ایرانی»؛ ادريس دارپوئی
جناب آقای دکتر حسام‌الدین واعظ‌را‌ده در یادداشتی که در شماره ۲۵۹۴۹، روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده است، به تبیین مساله استیضاح وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و از دیدگاه علوم سیاسی پرداخته. نویسنده یادداشت با مخاطب قراردادن غریبان چنین رانمود و می‌کند که این استیضاح یادآور تمرین و مرامست جامعه ایرانی در مسیر دست‌یابی به دموکراسی است... این استیضاح بیش از آنکه یادآور دموکراسی و حرکت در مسیر آن باشد، متأسفانه یادآور خاطرات جمعی دردناک نخیه‌کشی است؛ خاطراتی که ای کاش فرصتی برای تکرار نمی‌یافتند

گذر زمان رد خود را در چهره‌اش به‌جا گذاشته است؛ از استانداری کردستان تا سخننگویی دولت اصلاحات و حالا که برای مصاحبه، میهمان دفتر «شرق» می‌شود. بسیاری او را به‌عنوان چهره‌ای مطلع نسبت به مناسبات قومیتی می‌شناسند که به سال‌های استانداری‌اش در کردستان و تحصیلاتش برمی‌گردد. رمضان‌زاده که تحصیلمکرده دانشگاه امام‌صادق(ع) است و دکترایش را در بلژیک گرفته، اخیراً کتاب «منازعات قومی» را ترجمه کرده است. اما رمضان‌زاده در این گفت‌وگو به وضعیت اقتصاد ایران در سال‌های گذشته پرداخته است: مقایسه اقتصاد دولت احمدی‌نژاد و دولت خاتمی. او می‌گوید: «بهترین سال‌های کشور از نظر در آمدی تبدیل به بدترین وضعیت اقتصادی مردم شد. امروز دیگر اوضاع ضربه جینی مطلوب نیست. به این معنی که فاصله غنی و فقیر بدتر شده است»

۴ بعد از دوم خرداد، شاهد دولتی هستیم که با شعار توسعه سیاسی بر سر کار می‌آید ولی همزمان بین سال‌های ۷۶ تا ۸۴، شاهد پایدارترین نرخ و آهنگ رشد اقتصادی پس از انقلاب در کشور هستیم. تحلیل شما در این‌باره چیست؟

من فکر می‌کنم اتفاق دقیق و درستی مطابق با معیارهای علمی افتاد. توسعه سیاسی، بهبود ساختارها و فرآیندها در کنار بهبود رابطه دولت و مردم برای دستیابی به اهدافی مانند آزادی، اقتصاد، رفاه و امنیت معنا می‌شود. بهبود شاخص‌های آزادی، امنیت و رفاه نیز اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه در رابطه دولت و مردم تغییر مثبت ایجاد شود. درواقع بهبود رابطه مردم و دولت است که توسعه سیاسی امیده می‌شود. اگر این نکته را بپذیر داشته باشیم، هیچ دولتی نمی‌تواند در ایران – که بخش عمده اقتصاد آن در دست دولت است – بدون توجه به شاخص‌های سیاسی به هدف بهبود اوضاع اقتصادی دست پیدا کند به‌عنوان مثال، تنها مکانیسمی که برای مبارزه با فساد اقتصادی وجود دارد، مکانیسم سیاسی است.

این موضوع تنها برپایه ایران صدق نمی‌کند بلکه تمام کشورهای جهان هم فقط با مکانیسم سیاسی با فساد اقتصادی مقابله می‌کنند. تا بهبود رابطه حاکمیت و مردم رخ ندهد، نمی‌توانیم اقتصاد را به سمت‌وسوی مثبت ببریم. شمار دولت آقای خاتمی هم توسعه سیاسی نبود، بهبود رابطه مردم و حاکمیت بود که نتیجه آن هم دیده شد. می‌توانیم بگوییم که این دوره یکی از بهترین دوره‌های ۱۰ساله اخیر ایران بود.

۴ آیا می‌توان گفت که این دوره با اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده در دهه ۴۰قبل مقایسه‌است؟

البته این دوره یک تفاوت با دهه ۴۰ دارد. دوره ۱۳۴۰ با گسترش روند استبداد در کشور همراه بود و این دوره با گسترش آزادی‌ها در دهه ۴۰ تزریق نفت و همانطور که اقتصاددانان برنامه‌ریزی در اقتصاد ایران شروع شد. در فاصله سال‌های ۷۸ تا ۸۲ – یعنی چهارسال اواسط دولت آقای خاتمی – مجلس هماهنگی وجود داشت. در آن چهارسال، کشور از نظر سیاسی به نوع دیگری اداره می‌شد درحالی‌که دولت با کمبود منابع مالی روبرو بود. درواقع نکته عجیب این است که با وجود کمبود منابع مالی، شاهد بهبود شاخص‌های اقتصادی هستیم. این نکته‌ای است که در تاریخ ایران کمتر اتفاق افتاده است.

۴ مایل هستیم با اقتصاد دوران محمد خاتمی برخورد انتقادی هم داشته باشیم. یکی از موضوعاتی که به آن پرداخته شده، این است که در دولت اصلاحات آنچنان‌که باید به افشار تهیدست توجه‌نشده، این یکی از اتهاماتی است که دولت خاتمی وارد می‌شود.

خود شما واژه اتهام را به‌کار برید. اتهام باید شاخص داشته باشد. شاخص اقتصادی‌ای که مشخص کند آیا به فقر رسیدگی شده یا خیر کجاست؟ ضربه «جینی» و سایر شاخص‌ها در دولت آقای خاتمی بهبود پیدا کرده است. غیر از ضربه جینی، نکته دیگری هم هست که خیلی از اقتصاددانان کلاسیک به آن توجه نمی‌کنند و آن بحث توازن منطقه‌ای است. در دولت آقای خاتمی به‌طور جدی به مناطق محروم و کمتربرخوردار کشور توجه شد و سیاست «توازن منطقه‌ای» از جمله برنامه‌های کشور بود برای اولین‌بار ادبیات توازن منطقه‌ای توسط تیم آقای دکتر ستاری‌فر وارد حوزه سیاست‌گذاری در ایران شد ولی متأسفانه با روی کارآمدن اصولگرایان در مجلس هفتم اساس برنامه چهارم و با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد اساس برنامه‌ریزی در کشور به‌هم ریخت.

۴ چند درصد از منابع کشور در مناطق محروم هزینه شد؟

درحال حاضر آمار دقیقی از میزان این منابع در دست من نیست اما تا جایی که به‌یاد می‌آورم، به‌طور مثال بودجه عمرانی استان کردستان در سال۷۶ حدود هشت‌میلیاردتومان بود. سال ۸۰ بودجه عمرانی ۹۰میلیارد شده و سال ۸۴این بودجه به ۴۰۰میلیارد رسید. بود در آن زمان این استان از نظر شاخص‌های توسعه در رده ۲۷ یا ۲۸ قرار داشت. باقی استان‌ها نیز به همین روال شاخص‌بندی شده بودند و در برنامه چهارم به‌طور ویژه به آنها توجه شده بود. بهبود ضربه جینی نیز نشان می‌دهد که به طبقات کمتربرخوردار کشور هم توجه جدی شده بود. علاوه بر این، مواردی مانند بیمه همگانی و افزایش حقوق کارمندان نیز – از جمله اقداماتی است که در دولت اصلاحات صورت گرفت. برای مثال، طی یکسال، زمانی که تورم ۱۶درصد بود، حقوق کارمندان آموزش‌وپرورش ۲۴درصد افزایش پیدا کرد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم تورم است.

۴ که به آن مالیات فقرا گفته می‌شود.

بله، زمانی که تورم کنترل می‌شود و مسیر نزولی پیدا می‌کند از فقرا کمتر مالیات گرفته‌شود، به این معنی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آنها کمک می‌شود. زمانی که آقای خاتمی دولت را تحویل گرفتند، اقتصاد در رکود بود و تورم به ۹۱/۵درصد رسید. بومی که زمانی که ایشان دولت را تحویل دادند، تورم به ۱۱درصد رسید و اقتصاد در شوک‌فایی بود. معنی آن این است که به‌طور کامل و غیرمستقیم به وضع معیشت کمرآمدها رسیدگی شد. وقتی نرخ بیکاری پایین می‌آید یعنی فقرا شغل پیدا کرده‌اند و وضعیتشان بهتر شده است. البته باز باید تأکید می‌کنم که دلایل این تغییر را باید در حوزه سیاست پیدا کرد.

سیاست



رمضان‌زاده سخنگوی دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق»:

ابزار ارتباط با مردم را نداریم

مهسا امرآبادی

مهسا امرآبادی، خبرنگار شرق

که من اقتصاد ایران را یکساله، دوساله یا حتی چهارساله درست می‌کنم، این نیز غیرواقعی است. با باید این کار را انجام می‌دادند یا باید با ملاک صداقت با مردم رفتار می‌کردند و به آنها می‌گفتند تنها راه نجات ما اجرای چشمانداز ۲۰ساله کشور و برنامه چهارم است. توجه کنید، در مجلس هفتم نگذاشتند قیمت بنزین افزایش پیدا کند و آن را عیدی اصولگرایان به مردم نمایند. نتیجه این عیدی و تأثیر آن در اقتصاد بعدا دیده شد. آیا از اصلاح‌طلبان انتظار می‌رود مانند مجلس هفتم با آقای احمدی‌نژاد به مردم می‌گفتند که ما از این طریق می‌خواهیم به آن اشاره کنیم، کسی که با شعار اقتصادی کولامندتی می‌آید و می‌گوید که مشکل اقتصادی مردم به‌سرعت قابل حل است، در حالت احجاب به منافع مردم، اقتصاد ملی و منافع فقراست. امروز دیگر اوضاع ضربه جینی مطلوب نیست. به این معنی که فاصله غنی و فقیر وخیم‌تر شده است. پولدارها در حال پولدارتر شدن و فقرا در فقر در فقر‌تر شدن هستند. آخرین آمار نشان می‌دهد وضع اقتصاد روستایی نیز بدتر شده است. خوب، اینها به معنی است؟ این دقیقا نتیجه تصمیمات خارج از برنامه‌ای است که در اقتصاد ایران گرفته شد. همچنان بر این باور هستم که هیچ سیستم‌داری نباید به زبان نیازاقتصادی روز مردم صحبت کند. باید اقتصاد ایران را با برنامه پیش برد و این برنامه حداقل نیازمندی‌های سری فعالیت ۲۰ساله است. در سال ۸۴، با نابود کردن نهاد برنامهریزی، نتوانستند اقتصاد ایران را در مسیر نابودی بیندازند.

۴ این مساله را می‌توان با تجربه دهه ۵۰ایران مقایسه کرد؟ در دهه ۵۰هم سازمان برنامه عمل‌کنار گذاشته شد.

اولین تجربه بیماری هلندی ما در همان دهه ۵۰ بود که شباهت‌های زیادی با دهه ۸۰ داشت. یاد می‌آید در سال‌های ۵۴ و ۵۵ تورم به میزان قابل توجهی بالا رفت. تنها واکنش دولت وقت، واردات زیاد میوه بود؛ درست شبیه این تصور که سهام عدالت و تزریق پول به جامعه می‌توان شب عید مردم را پررار کرد. اما واقعیت اقتصادی وقتی بهبود می‌یابد که جامعه بتواند در تصمیم‌گیری مشارکت کند.

اما این خطر وجود دارد که یک چهره پوپولیست پیدا شود و از این صندوق سوءاستفاده کند.

پس مشکل در اقتصاد نیست. مشکل اجتماع و فرهنگ است. نگرش سنجی ایرانیان نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از ایرانیان یکدیگر را دررونگو می‌دانند. نه به این معنی که واقعا درروگو هستند، تصور می‌کنند، دیگران اینگونه هستند. این چه معنی می‌دهد؟ یک انسان غموافرب دعا می‌کند که اقتصاد شما را شش‌ماهه درست خواهم کرد. از آن طرف کارشناسان اقتصاد می‌گویند اصلاح اقتصاد ایران ۲۰سال زمان خواهد برد. اکثریت جامعه به هیچ یک از دو طرف اعتماد نمی‌کنند اما به چه کسی رای می‌دهند؟ به کسی که بعد از شش‌ماه صحت یا کذب بودن حرفش مشخص می‌شود و نیازی به ۲۰سال انتظار نیست. درد جامعه ایران اینجاست. این مشکل است که پوپولیسم‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. مشکل در حوزه فرهنگی است. در کتاب «نوسازی ناتمام» آقای کاتوزیان، اصطلاح «جامعه‌کلنگی» آمده است. در هیچ جای دنیا ساختمان را بعد از ۲۰سال خراب نمی‌کنند. ما در ایران ساختمان ۲۰ساله را تخریب می‌کنیم.

فکر نمی‌کنید خطر تکرار رویداد سال ۸۴ وجود دارد؟ فرض کنید همه چیز به خوبی پیش برود، توافق هسته‌ای حاصل شود، فروش نفت بالا برود، در آمد نفتی به داخل مملکت بیاید. هشت سال بعد یک احمدی‌نژاد دیگر پیدا نخواهد شد؟

این اتفاق نخواهد افتاد. حدود ۱۵ سال طول می‌کشد تا دوساره بازارها به حالت قبل بازگردند. زمانی که آقای خاتمی کشور را تحویل گرفتند، اقتصاد کاملاً قفل شده بود. الان هم اقتصاد قفل شده است. اکثریت تیم برنامه‌ریزی اقتصادی کار اجرایی نکرده‌اند. این تیم جرات ریسک کردن ندارد.

۴ می‌خواهید از راه‌حل‌ها صحبت کنیم؟ به نظر شما اقتصاد ایران راه‌حل سیاسی دارد. یعنی تصمیمات سیاسی است که می‌تواند اقتصاد ایران را نجات دهد. چه تصمیمات سیاسی باید گرفته‌شود؟

یکی از مهم‌ترین تصمیمات فسادزای است. در کشورهای خارجی برای حل این مشکل از مکانیسم‌های سیاسی استفاده می‌کنند

۴ یعنی افزایش دستگاه‌های نظارتی فایده‌ای ندارد؟

راهی که در دنیا برای مقابله با فساد پیدا کرده‌اند، مطبوعات و احزاب آزاد است. یعنی نظارت افکار عمومی. هدف فساد کم در دولت آقای خاتمی چه بود؟ آیا آدم‌های دولت آقای خاتمی از آقای هاشمی بهتر بودند؟ نه. ما رقابتی قدرتمندی داشتیم و اگر می‌خواستیم هم نمی‌توانستیم یایمان را کج بگذاریم. ولی دولت آقای احمدی‌نژاد ناظر در افکار عمومی نداشت. همیشه بهترین‌ها را برای مبارزه با فساد بازکردن فضای سیاسی است تا بوسیله آن نظارت افکار عمومی افزایش پیدا کند.

و باعث تورم شود؟

۴ پس تکلیف سرخوردگی که برخی اقدامات – مانند فروش خدمت سربازی یا حذف کارگاه‌های زیر پنج نفر از شمول قانون کار– در بدنه حامی دولت اصلاحات ایجاد کرد، چه می‌شود؟

ببینید یکی از دلایل فروش خدمت سربازی هم جمع کردن نقدینگی بود. جمع کردن نقدینگی یکی از اهداف دولت آقای خاتمی بود و همچنین از اهداف مهم اقتصادی. جمع‌آوری نقدینگی از اهداف بود و فروش سربازی و مکانیسم‌های دیگر از اقدامات در این جهت بود. برای خیلی از برنامه‌های اقتصادی دولت اصلاحات، عوامل پشت پرده‌ای هم وجود داشت که شاید بعدها آقای خاتمی در کتاب خاطرات خود ذکر کند. اما راجع به صندوق ذخیره ارزی، ببینید اقتصاددانان به‌طور مرتب این مشکل را ذکر می‌کنند که در هر زمانی که میزان پول نقد بالا می‌رود و آن را به جامعه تزریق می‌کنیم، دچار مشکل می‌شویم. بالاخره آیا یک روز باید به علم اقتصاد توجه کرد یا نه؟ تأسیس این صندوق در واقع همان توجه به علم اقتصاد بود. دولت اصلاحات مطمئن نبود که عدای از این صندوق سوءاستفاده خواهند کرد اما آیا باید به خاطر آنها با دست خود بنیان‌های اقتصادی ایران را نابود می‌کرد؟ حرف من این است که اقتصاد بسته است که اجزای آن با هم رابطه تعاملی دارند، نه مجموعه‌ای از تک‌عامل‌ها. باید مجموعه شرایط و آن چیزی را که در علم اقتصاد به آن «نتیجه اقتصادی» می‌گویند، دید. حتماً در تصمیمات دولت آقای خاتمی اشتباهاتی وجود داشته اما باید دید که مجموع نتایج به کجا رسیدند.

۴ در دوره احمدی‌نژاد چه اتفاقی افتاد؟
من دو یا سه مصاحبه در سال‌های ۸۴ و ۸۵ در رابطه با دستاوردهای دولت آقای احمدی‌نژاد انجام دادم. همه چیز قابل پیش‌بینی بود. مینا، فرباک افکار عمومی بود و اعلام اینکه می‌توان مملکت را به سرعت و بدون برنامه و با تصمیمات خلق‌الساعه اصلاح کرد. نتیجه امروز مشخص است. بهترین سال‌های کشور از نظر در آمدی تبدیل به بدترین وضعیت اقتصادی مردم شد. این همان نکته‌ای است که می‌خواستم به آن اشاره کنم. کسی که با شعار اقتصادی کولامندتی می‌آید و می‌گوید که مشکل اقتصادی مردم به‌سرعت قابل حل است، در حالت احجاب به منافع مردم، اقتصاد ملی و منافع فقراست. امروز دیگر اوضاع ضربه جینی مطلوب نیست. به این معنی که فاصله غنی و فقیر وخیم‌تر شده است. پولدارها در حال پولدارتر شدن و فقرا در فقر در فقر‌تر شدن هستند. آخرین آمار نشان می‌دهد وضع اقتصاد روستایی نیز بدتر شده است. خوب، اینها به معنی است؟ این دقیقا نتیجه تصمیمات خارج از برنامه‌ای است که در اقتصاد ایران گرفته شد. همچنان بر این باور هستم که هیچ سیستم‌داری نباید به زبان نیازاقتصادی روز مردم صحبت کند. باید اقتصاد ایران را با برنامه پیش برد و این برنامه حداقل نیازمندی‌های سری فعالیت ۲۰ساله است. در سال ۸۴، با نابود کردن نهاد برنامهریزی، نتوانستند اقتصاد ایران را در مسیر نابودی بیندازند.

۴ این مساله را می‌توان با تجربه دهه ۵۰ایران مقایسه کرد؟ در دهه ۵۰هم سازمان برنامه عمل‌کنار گذاشته شد.
اولین تجربه بیماری هلندی ما در همان دهه ۵۰ بود که شباهت‌های زیادی با دهه ۸۰ داشت. یاد می‌آید در سال‌های ۵۴ و ۵۵ تورم به میزان قابل توجهی بالا رفت. تنها واکنش دولت وقت، واردات زیاد میوه بود؛ درست شبیه این تصور که سهام عدالت و تزریق پول به جامعه می‌توان شب عید مردم را پررار کرد. اما واقعیت اقتصادی وقتی بهبود می‌یابد که جامعه بتواند در تصمیم‌گیری مشارکت کند.

اما این خطر وجود دارد که یک چهره پوپولیست پیدا شود و از این صندوق سوءاستفاده کند.

پس مشکل در اقتصاد نیست. مشکل اجتماع و فرهنگ است. نگرش سنجی ایرانیان نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از ایرانیان یکدیگر را دررونگو می‌دانند. نه به این معنی که واقعا درروگو هستند، تصور می‌کنند، دیگران اینگونه هستند. این چه معنی می‌دهد؟ یک انسان غموافرب دعا می‌کند که اقتصاد شما را شش‌ماهه درست خواهم کرد. از آن طرف کارشناسان اقتصاد می‌گویند اصلاح اقتصاد ایران ۲۰سال زمان خواهد برد. اکثریت جامعه به هیچ یک از دو طرف اعتماد نمی‌کنند اما به چه کسی رای می‌دهند؟ به کسی که بعد از شش‌ماه صحت یا کذب بودن حرفش مشخص می‌شود و نیازی به ۲۰سال انتظار نیست. درد جامعه ایران اینجاست. این مشکل است که پوپولیسم‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. مشکل در حوزه فرهنگی است. در کتاب «نوسازی ناتمام» آقای کاتوزیان، اصطلاح «جامعه‌کلنگی» آمده است. در هیچ جای دنیا ساختمان را بعد از ۲۰سال خراب نمی‌کنند. ما در ایران ساختمان ۲۰ساله را تخریب می‌کنیم.

فکر نمی‌کنید خطر تکرار رویداد سال ۸۴ وجود دارد؟ فرض کنید همه چیز به خوبی پیش برود، توافق هسته‌ای حاصل شود، فروش نفت بالا برود، در آمد نفتی به داخل مملکت بیاید. هشت سال بعد یک احمدی‌نژاد دیگر پیدا نخواهد شد؟

این اتفاق نخواهد افتاد. حدود ۱۵ سال طول می‌کشد تا دوساره بازارها به حالت قبل بازگردند. زمانی که آقای خاتمی کشور را تحویل گرفتند، اقتصاد کاملاً قفل شده بود. الان هم اقتصاد قفل شده است. اکثریت تیم برنامه‌ریزی اقتصادی کار اجرایی نکرده‌اند. این تیم جرات ریسک کردن ندارد.

۴ می‌خواهید از راه‌حل‌ها صحبت کنیم؟ به نظر شما اقتصاد ایران راه‌حل سیاسی دارد. یعنی تصمیمات سیاسی است که می‌تواند اقتصاد ایران را نجات دهد. چه تصمیمات سیاسی باید گرفته‌شود؟

یکی از مهم‌ترین تصمیمات فسادزای است. در کشورهای خارجی برای حل این مشکل از مکانیسم‌های سیاسی استفاده می‌کنند

۴ یعنی افزایش دستگاه‌های نظارتی فایده‌ای ندارد؟

راهی که در دنیا برای مقابله با فساد پیدا کرده‌اند، مطبوعات و احزاب آزاد است. یعنی نظارت افکار عمومی. هدف فساد کم در دولت آقای خاتمی چه بود؟ آیا آدم‌های دولت آقای خاتمی از آقای هاشمی بهتر بودند؟ نه. ما رقابتی قدرتمندی داشتیم و اگر می‌خواستیم هم نمی‌توانستیم یایمان را کج بگذاریم. ولی دولت آقای احمدی‌نژاد ناظر در افکار عمومی نداشت. همیشه بهترین‌ها را برای مبارزه با فساد بازکردن فضای سیاسی است تا بوسیله آن نظارت افکار عمومی افزایش پیدا کند.

و باعث تورم شود؟

ادامه از صفحه ۱۴

خبر

«اقلیم»؛ کردستان:

ایرانیان

به آوارگان عراق کمک کنند

• شرق: دفتر نمایندگی اقلیم کردستان در تهران با صدور اطلاعیه‌های آمادگی خود را برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی مردم ایران برای کمک به آوارگان در اقلیم کردستان اعلام کرد. در این اطلاعیه شماره حسابی برای کمک به مردم نیازمند ستجار (شنغال) و دیگر آوارگان از جمله: مسیحی، ایزدی، شبک، عرب‌های موصل و اطراف آن و... در اقلیم کردستان اعلام و خواسته شده که مردم ایران آنها را تنها نگذارند. بر این اساس مردم ایران می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حساب ۰۳۴۶۲۴۷۵۸۳۰۰۹ نزد بانک ملی ایران به‌نام «عباس عبدالله پایز» و «رمضان حسین» واریز کنند.

ادامه از صفحه اول

جراغ «صادق»

در کنار این تحول سیاسی، تحولات فرهنگی بود که در راستای حکومت صورت می‌گرفت و آن، به‌وجودآمدن نخله‌های مختلف فکری و فکری بود که تلافی افکار و تضارب آرا باعث شده بود. از آنجا که نخله‌های فکری، پشتوانه سیاسی داشت و حکومت‌های اموی عباسی برای تحکیم پایه‌های حکومت خود، تفسیرهای حکومت‌پسند از اسلام داشتند و مفسران و سفیهان درباری، اسلام واقعی را به بسود خود تعریف کرده بودند، امام‌صادق(ع) که دانش ناب اسلامی را از محضر جد بزرگوارش امام سجاده(ع) و پدر بزرگوارش امام‌باقر(ع) آموخته بود بر آن شد تا با تشکیل حلقه‌های درس و تربیت شاگردانی چند در زمینه‌های فقهی و کلامی، در برابر نخله‌های فرهنگی – که بعضا بدعت‌گذار بودند- بایستد. با تشکیل این حلقه‌های درس توسط حضرت مکتب فقهی و کلامی جعفری پدید آمد و عالمانی چون هشام‌بن حکم،فضل بنعمر، محمدبن مسلم، هشام‌بن‌سلم و جابربن حیان که هر کدام صاحبنظر بودند قدم به عرصه گذاشتند. دستگاه فقهی و کلامی شیعه عمدتا مبتنی بر روایات امامان باقر و صادق (علیهما السلام) استوار است. از ویژگی‌های مرکز فقهی امام‌صادق(ع)، تساهل و رواداری بود که در برابر مخالفان فکری خود حتی ملحدانی مانند ابن‌ابی‌الاعوجا به ستم‌سدر و منطق استوار برخورد می‌کرد. امام‌صادق(ع) در دوران چندین ساله امانت خود، ۱۸سال در دوران حکومت امویان زیست و ۱۶سال در حکومت عباسیان به سر برد و شاید این دوران تلخ‌ترین دوران تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر(ص) تلقی شود. تمام قیام‌هایی که برای برچیدن حکومت ظالم عباسی – اموی صورت می‌گرفت در این چند سال بود که با شدیدترین وجه سر کوب می‌شد. بنابراین مبارزه امام‌صادق(ع) در عرصه فرهنگی از سخت‌ترین مبارزات بود که توانست فرهنگ ناب اسلام را حفظ کند. حضرت در ۲۵شوال سال۱۴۸ که شصت‌وپنجمین سال عمر خود را طی می‌کرد به دستور منصور دوانیقی در شهر مدینه مسوم شد و در کنار پدر و جد بزرگوارش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

قداست پزشکی؛ نه به ثروت‌اندوزی

من زمانی که می‌شنوم در برخی مطب‌ها چهار، پنج‌هیمپار را با یکدیگر وزیت می‌کنند مو به تنم راست می‌شود؛ به‌نظر من این پزشکی نیست. این نوعی سوداگری خجالت‌آز است که باید ریشه‌کن شود. هر بیمار باید با دقت کافی و در شرایط اخلاصی وزیت شود. می‌دانم که در علم عدای می‌گویند: باید زنگنه‌ها جلوتر می‌شود. اینگونه کار کرد؟ پاسخ می‌دهم که باهمین تعرفه‌ها هم باید دقیق طبابت کرد. اگرچه نیز باید تلاش کنیم تا تعرفه‌ها عادلانه باشد. احترام به بیمار و کرامت فروش شده انسانی در کشور را حداقل با پزشکان باید احیا کنیم. در مجموع مراقب شرایط بیمار باشیم. در زمینه‌های مادی از نظر اینکه وزیت را از افرادی که توان و رضایت کافی ندارند را رعایت احوال آنان بگیریم یا اصلا دریافت نکنیم. امیدوارم درگیر مسایل حقیر در این حرفه شریف نشویم. گاه می‌شنوم که بحث‌هایی می‌شود مبنی بر اینکه عدای از پزشکان به‌دنبال تجارت هستند و از مسیر پزشکی خارج شده‌اند. به‌نظر من هر پزشک مجاز و مختار است که اگر زندگی و معیشت او از حرقه پزشکی تأمین نمی‌شود، این پزشک را نزدنگ دیگری آن را تأمین کند و بی‌شک به‌دلیل تحصیلاتی که انجام داده است می‌تواند موفق هم باشد اما تجارت با پزشکی جور در نمی‌آید. اگر پزشکی بخواد ثروتمند شود، راه‌های زیادی وجود دارد ولی اینکه هر فردی بخواد از طریق پزشکی ثروتمند شود به ناچار به بیماران فشار وارد خواهد کرد. یکی از رموز و اسرار پزشک موفق این است که بلندپرواز و دارای آرزوهای بسیار بزرگ نباشد و یک‌زندگی معمولی و سالم بسازد. در این صورت هیچ‌گاه در حق بیمار اجحاف نخواهد کرد. در پایان می‌خواهم سخنی با «وزیندت»‌های عزیز داشته باشم. حدود ۲۵سال قبل به اصفهان سفر کردم. با رئیس دانشگاه وقت از خیابانی می‌گذشتم و عمارت و باغی دیدم بلکه به‌خاطر قداست و زیبایی و تأثیر گذاری چه کسی است؟ ایشان گفت که متعلق به یکی از جراحان بزرگ قدیمی بوده است. وی نقل قول می‌کرد که آن استاد فقیه به شاگرد دانش می‌گفت: «پزشکی اشی بوده که بزرگان خورده‌اند و ما اکنون تو ظرف آن را پاک می‌کنیم» ولی من حرفه پزشکی را به جوانان توصیه می‌کنم نه به‌خاطر مسایل مادی بلکه به‌خاطر قداست و زیبایی و تأثیر گذاری این حرفه باید آن را انتخاب کنند و از همین لحظه بدانند که باید با قناعت زندگی کنند. روز پزشک را به همکاران عزیزم که سستگین‌ترین و برسموبولیت‌ترین فعالیت‌ها در سراسر کشور را برعهده دارند، تبریک می‌گویم و برای دغدغه‌ر آن‌ها تندرستی و موفقیت آرزو می‌کنم.